

خصائص النبی ﷺ و مسئله جاودانگی قرآن کریم در پرتو آیات ۶، ۳۶ و ۵۳ سوره احزاب

محمد حسین محمدزاده^۱ - حسن نقی زاده^۲ - عباس اسماعیلی زاده^۳

چکیده

عده‌ای از مفسران و اندیشمندان بر آن اند که در برخی آیات سوره احزاب، ویژگی‌ها و خصائصی برای پیامبر ﷺ آمده است که برای کس دیگری قابل اثبات نیست. بر این اساس، برخی مدعی شده‌اند که این برداشت با جاودانگی قرآن سازگار نیست. در این جستار با گونه‌شناسی ویژگی‌ها و خصائص پیامبر ﷺ و تقسیم آن به دو گونه حقیقی و حقوقی، با رویکردی تحلیلی به بررسی آیات یادشده پرداخته شده است. همچنین با بهره‌گیری از آرای مفسران و فقیهان این نتیجه به دست آمده که این آیات به شخصیت حقوقی و سیره پیشوایی رسول خدا ﷺ مربوط است. این نکته بدان معناست که آیات گستره‌ای فراتر از جایگاه شخصیت حقیقی پیامبر ﷺ داشته و در نتیجه پیامی جاودانه دارند؛ از این رو مسئله تعارض و ناسازگاری با جاودانگی قرآن منتفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شخصیت حقوقی پیامبر، خصائص النبی ﷺ، جاودانگی قرآن، تاریخ‌مندی قرآن، سوره احزاب.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).
m.h 1346@yahoo.com
 ۲. استاد دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
naghizadeh@um.ac.ir
 ۳. دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
esmaeelizaded@um.ac.ir
- دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

مقدمه

قرآن کریم نسخه جامع زندگی فردی و اجتماعی و برنامه سعادت دنیا و آخرت انسان تا پایان حضور او در کره خاکی است و پیام آن به زمان و مکان خاصی محدود نیست. با این همه در بعضی آثار و آرای فقهی یا تفسیری عالمان مسلمان درباره آیاتی که به عنوان خصائص النبی مطرح شده و درباره پیامبر ﷺ است، دیدگاه متفاوتی ارائه شده است. آنان معتقدند که خداوند برخی امور را در قرآن کریم و بی‌شک پیامبر خاتم ﷺ بیان نموده است؛ یعنی شیوه و سبک تعامل پیامبر ﷺ و نیز شیوه رفتار مردم با آن حضرت که در برخی از آیات بیان می‌شود، ویژه مردم آن عصر و زمان بوده و پس از آن دیگر مخاطبی ندارد. براساس این دیدگاه، این گونه آیات تاریخ‌مند است. در نتیجه این برداشت، جاودانگی مفاد آیات یادشده با چالش روبه‌رو شده و از آنجا که قرآن حکیم معجزه اسلام و سند رسالت است، بر هر مسلمانی واجب است که از حقانیت آن دفاع کند.

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، سه آیه از آیاتی را که نزد برخی مفسران به عنوان اختصاصات النبی قلمداد شده، با استناد به شواهد روایی و نیز دیدگاه‌های تفسیری بررسی می‌کند.

انتخاب سه آیه از سوره احزاب به این علت است که این سوره مدنی و غرض اصلی آن بیان مقررات و قوانینی برای سازمان‌دهی زندگی اجتماعی مسلمانان است. آیات یادشده تصویری حقیقی و واقعی از زندگی در مدینه را ترسیم و متناسب با آن، مقررات و قوانین زندگی جامعه مدنی را تبیین می‌کنند. در این آیات رویدادهایی رخ داده در آن بازه زمانی یکی پس از دیگری همراه با احکام و فرمان‌های مربوط به آن‌ها بیان می‌شود.

در سه آیه یادشده سوره احزاب (آیه ۶، ۳۶ و ۵۳) بخشی از بایسته‌های اعتقادی و رفتاری مسلمانان نسبت به شخصیت حقوقی پیامبر ﷺ به عنوان رهبر جامعه تبیین می‌شود. بدین سان اگرچه درباره خصائص قرآنی پیامبر ﷺ صدها کتاب و مقاله نوشته شده است، به بررسی و معرفی تمامی خصائص آن حضرت نیازی نیست.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع جستار حاضر مطالعاتی منتشر شده که عبارت اند از:

- «امتیازات و ویژگی های پیامبر ﷺ از دیدگاه قرآن»، (۱۳۹۲) از شکری و فلاح.

در این مقاله اوصاف و احکام اختصاصی پیامبر ﷺ به دو دسته تقسیم و برشمرده شده است: اوصاف و احکام اختصاصی ای که مفسران درباره آن ها اتفاق نظر و یا اختلاف نظر دارند؛

- خصائص النبی ﷺ رویکردها و بایستگی ها»، (۱۳۹۰) به قلم نقیب.

نویسنده در این مقاله پس از کلیات و تعریف لغوی و اصطلاحی خصائص به بررسی دیدگاه علما و مورخان شیعه و اهل سنت درباره این موضوع پرداخته است؛

- «بررسی دیدگاه ها درباره اختصاصات النبی ﷺ»، (۱۳۹۰) از یوسفی مقدم.

نویسنده، خصائص النبی ﷺ را به دو دسته اختصاصات فقهی و فضائل اختصاصی تقسیم کرده و از دیدگاه قرآن کریم به تبیین آن ها پرداخته است؛

- «افعال اختصاصی پیامبر ﷺ و تأسی به ایشان»، (۱۴۰۰)، به قلم مردانی.

در این مقاله، افعال اختصاصی پیامبر ﷺ به دو دسته مشکک و متواطی تقسیم شده و بعضی از افعال اختصاصی حضرت قابل تأسی دانسته شده است. نویسنده در افعال متواطی، محدودیت اختصاصی بودن را متوجه حکم وجوب یا حرمت فعل دانسته و در افعال مشکک، محدودیت اختصاصی بودن را به مراتب شدید آن بازگردانده است.

- بررسی تطبیقی خصائص النبی ﷺ از نگاه فریقین، (۱۳۹۵) به قلم نقیب.

در این کتاب با استناد به آیات قرآن، خصائصی برای پیامبر ﷺ اثبات شده و سپس دیدگاه دانشمندان شیعه و اهل سنت بررسی و تطبیق شده است. همچنین پس از نقد و ارائه ایرادهایی، در پایان نظریه برگزیده عرضه شده است.

با وجود این، در پژوهش های یادشده به جاودانگی قرآن و مسئله خصائص النبی پرداخته نشده است. وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر با پژوهش های پیش گفته در دو موضوع است:

الف) گونه‌شناسی تمامی خصائص النبی ﷺ (افعال، اختصاصات فقهی، فضائل اختصاصی) شامل دو دسته خصائص مربوط به شخصیت حقیقی و خصائص مربوط به شخصیت حقوقی است. این تقسیم‌بندی پیشینه‌ای ندارد و درضمن، برخلاف تقسیم‌بندی‌هایی که تاکنون ارائه شده، جامع و مانع است؛

ب) معیار و ملاک تسری براساس شخصیت حقوقی. این ملاک نیز پیشینه‌ای ندارد.

مفهوم‌شناسی

در آغاز، توضیح چند مفهوم کلیدی پژوهش ضروری می‌نماید:

۱. جاودانگی قرآن کریم که به مفهوم محدود نبودن به زمان و مکان می‌باشد، دارای جامعیت است و برای آن دلایل قابل اثباتی می‌توان ارائه داد که عبارت‌اند از:

۱-۱. قرآن جهان‌شمول است و به زمان، مکان، نژاد، آداب و سنن خاصی اختصاص ندارد؛ چراکه قرآن خود را چنین معرفی می‌کند: «هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام / ۹۰) و «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» (مدثر / ۶).

لازمه این کلیت و دوام این است که قرآن کتابی جاودانه برای همه افراد بشر در هر زمان و مکان و همیشه تازه باشد.

۱-۲. قرآن مجید خود را ذکر و یادی برای جهانیان معرفی می‌کند. (قلم / ۵۲) همچنین از پیروزی رسول خدا ﷺ بر همه ادیان سخن می‌گوید (توبه / ۳۳) و بسیاری از خطاب‌های آن متوجه تمامی مردم و مکلفان در هر زمان و مکانی است؛ مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره / ۱۰۴، ۱۵۳، ۲۷۲؛ آل عمران / ۱۰۰، ۱۰۲؛ نساء / ۱۹، ۲۹)، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (بقره / ۲۱؛ نساء / ۱؛ یونس / ۲۳؛ حج / ۵؛ فاطر / ۵؛ حجرات / ۱۳ و ...) و «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» (انفطار / ۶؛ انشقاق / ۶).

۱-۳. امام رضا علیه السلام نیز بر این شمول زمانی تأکید می‌کنند. ایشان در حدیثی می‌فرمایند: قرآن نسبت به زمان‌ها کهنه نمی‌شود؛ زیرا قرآن برای زمانی مخصوص قرار داده نشده، بلکه قرآن راهنما و برهان برهر انسانی است، باطل از هیچ سو بر آن وارد

نمی‌شود. از سوی خدای حکیم و حمید نازل شده است (ابن بابویه، بی تا: ۲/ ۸۷).
 ۴-۱. طبق داوری عقل نیز جاودانگی قرآن لازمه خاتمیت نبوت است؛ چراکه اگر پیامبر اسلام ﷺ خاتم پیامبران است، یا باید پس از او رسول دیگری مبعوث شود یا مردم از هدایت بی‌نیاز باشند که هر دو فرض باطل است. با توجه به این اصل مسلم، هرگونه تفسیری از آیات قرآن باید با اصل جاودانگی همساز باشد (سبحانی، بی تا: ۱/ ۴۷-۴۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲/ ۱۳۰).

۲. خصائص از ماده «خصص»: خصیصه در لغت به اموری گفته می‌شود که شخص را از دیگران متمایز می‌سازد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷/ ۲۴). و یا به معنای برتری دادن شخص بر دیگران است (فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۷۹۶).

بعضی از فقیهان در اصطلاح نیز، خصائص پیامبر را به صفاتی اطلاق می‌کنند که هیچ‌کس غیر از آن حضرت دارای آن صفات نیست و بردو نوع است: فقهی و غیرفقهی (صدر، ۱۴۱۵: ۶/ ۱۷). فقیهان دیگری خصائص را موضوع‌هایی می‌دانند که خداوند متعال برای ممتاز کردن آن حضرت از خلق به ایشان اختصاص داده که شامل واجب، حرام، مباح و مکروه می‌شود (ابوجعفر طوسی، ۱۳۸۷: ۴/ ۱۵۳).

منظور از اختصاصات النبی ﷺ در این مقاله موضوعاتی است که در قرآن کریم برای آن حضرت بیان شده و مربوط به شخصیت حقوقی ایشان است.

۳. خصائص شخصیت حقیقی و خصائص شخصیت حقوقی: با گونه‌شناسی تمامی خصائص النبی ﷺ به دو دسته، خصائص دسته دوم دارای قابلیت تسری است. توضیح مطلب اینکه اشخاص حقیقی با رفتن از دنیا تمام حقوق خود را از دست می‌دهند؛ اما حقوق اشخاص حقوقی با مرگ آنان از بین نمی‌رود و همچنان ادامه می‌یابد. افزون بر این، اشخاص حقیقی دارای جسم و ماهیت طبیعی هستند؛ اما اشخاص حقوقی اعتباری‌اند و براساس قوانین الهی و یا قوانین بشری شکل می‌گیرند.

از این رو با تکیه بر آیات قرآن و با محور قرار دادن آیاتی از سوره احزاب که به شخصیت حقوقی رسول خدا ﷺ مربوط است، به اثبات فرازمانی و فرامکانی بودن محتوای این آیات

پرداخته و وظائف مردم و سبک تعامل آنان نسبت به رهبر جامعه اسلامی تبیین می شود. آیات مربوط به شخصیت حقیقی رسول خدا ﷺ در مقاله «افعال اختصاصی پیامبر ﷺ و تأسی به ایشان» بررسی و قابلیت تأسی افعال اثبات شده است؛ از این رو جاودانگی قرآن کریم نیز اثبات شده و به این ترتیب فرمان های این کتاب نه تنها تاریخمند نیست، بلکه تا روز قیامت اعتبار دارد.

بررسی خصائص النبی ﷺ در سه آیه از سوره احزاب

درباره آیاتی که از دیدگاه مفسران و فقیهان به عنوان اختصاصات النبی ﷺ قلمداد شده، اختلاف نظر وجود دارد. در این مقاله سه ویژگی از خصائص پیامبر ﷺ که در آیات ۶، ۳۶ و ۵۳ سوره احزاب بیان شده، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. اولویت پیامبر ﷺ بر مؤمنان

«التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ... كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (احزاب / ۶) براساس این آیه یکی از ویژگی هایی که به عنوان اختصاصات النبی به پیامبر اکرم ﷺ نسبت داده شده، اولویت داشتن آن حضرت بر مؤمنان است. کلمه «اولی» در لغت «محق بودن نسبت به دیگران» (آل عصفور، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۷۰) و «سزاوارتر بودن» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳ / ۲۰۳) معنا شده است. از این رو آیه شریفه به این معنا است که پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و هرچه مؤمن برای خود می پسندد؛ مانند حفظ جان و اموال، محبت و ... باید پیامبر ﷺ را بر خود مقدم دانسته و امور شرو خطرآفرین را از آن حضرت دفع کند؛ چنان که خداوند متعال می فرماید: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ» (توبه / ۲۰).^۱

۱. بر ساکنان مدینه و کسانی از عرب های صحرائشین که اطراف آنان هستند، سزاوار نیست که از (دستور) فرستاده خدا تخلف ورزند و به خاطر (حفظ) جان هایشان از جان او روی برتابند.

این خصیصه به بعد نظری، شناختی، اندیشه و اعتقاد مربوط می‌شود. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا درست است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند درست است. سپس حضرت آیه ﴿التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ را قرائت فرمود (کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۳۷۸). آن حضرت برای لزوم شناخت امام هر عصر و زمانی به این آیه استدلال فرموده است.

۱-۱. گزارش آرای تفسیری

مفسران تقریباً درباره اولویت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند. شیخ طوسی می‌نویسد: حفظ منافع حضرت در هر وضعیت و شرایطی بر حفظ منافع مسلمان ترجیح دارد؛ زیرا آن حضرت دستوری نمی‌دهد، مگر اینکه صلاح و رستگاری مؤمنان در آن است به خلاف نفس. (طوسی، بی تا: ۸/۳۱۶). طبرسی موضوع آیه را مربوط به زمانی می‌داند که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و دعوت نفس خود اشخاص مطرح باشد و اولویت را این می‌داند که مؤمنان باید دعوت آن حضرت را اجابت کنند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۸/۵۲۹). فخر رازی با مثال محسوسی این اولویت را به طور کامل تبیین می‌کند: در هوای بسیار سرد اگر شخصی برای رشد مویش به آن روغن بزند و سر را برهنه کند، اشتباه بسیار بزرگی مرتکب شده؛ چرا که رشد مو بسته به سالم ماندن سراسر است که اولویت دارد. در اینجا هم رکن و اساس دین اولویت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۵/۱۵۷). فیض کاشانی نیز در تفسیر الصافی بر این باور است که پیامبر صلی الله علیه و آله در تمامی امور بر مؤمنان اولویت دارد (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۴/۱۶۴) علامه طباطبایی می‌نویسد: بی تردید معنای اولویت در این آیه آن است که حفظ منافع پیامبر در هر وضعیت و شرایطی بر حفظ منافع مسلمانان ترجیح دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۳/۲۷۶).

پس اینکه بعضی گفته‌اند: مراد از اولویت پیامبر صلی الله علیه و آله اولویت در دعوت است؛ یعنی وقتی آن حضرت مؤمنان را به چیزی دعوت کرد و نفس مؤمنان ایشان را به چیز دیگر،

واجب است که دعوت او را اطاعت کنند و دعوت نفس خود را سرپیچی کنند، تفسیری ضعیف است؛ چراکه دلالت آیه مورد بحث همان مطالبی است که آیات «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء / ۵۹)، «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء / ۶۴) و آیات دیگری مانند آن در مقام بیان آن هستند و این از آن روست که دلالت آیه مطلق است و همه شئون دنیایی و دینی را شامل می شود (همان، ۲۷۷).

۲-۱. تحلیل انتقادی

با تأمل در آیات دیگر قرآن کریم و نیز فضای نزول سوره احزاب، نظریه اولویت مطلق به صواب نزدیک ترمی نماید؛ زیرا:

الف) با توجه به مفاد آیه شریفه «مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (احزاب / ۳۶)^۱، عصمت پیامبر ﷺ و همچنین به مصداق «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۲ (نجم / ۳-۴) این اولویت در واقع در مسیر منافع مردم - هم از نظر حکومتی و تدبیر جامعه اسلامی و هم در حیطه مسائل شخصی و فردی - است. بدین سان نظریه مفسرانی که می گویند، پیامبر ﷺ در تمامی امور بر مؤمنان اولویت دارد، دیدگاهی روشن و صحیح است و از این طریق این شأن برای آن حضرت اثبات می شود.

ب) احزاب سوره ای مدنی است و تصویری حقیقی و واقعی از زندگی مسلمانان در مدینه را ترسیم می کند. با تحلیل وقایع و فضای زمان نزول روشن می شود که منظور خداوند متعال در آیه ششم سوره احزاب «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ... كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا»^۳ تقدیم حفظ منافع پیامبر در هر وضعیت و شرایطی بر حفظ منافع مسلمانان است.

۱. هیچ مرد باایمان وزن باایمانی نمی تواند هنگامی که خدا و پیامبرش حکمی کند، در برابر آن از خود صاحب اختیار باشد.

۲. هر چه می گوید سخن خداست و از ناحیه اوست.

فضای زمان نزول آیات چنین فضایی است:

جنگ احزاب^۱ (احزاب / ۹) و خیانت بنی قریظه رخ داده؛ مشرکان، منافقان و یهودیان در بحبوحه جنگ دسیسه‌های فراوانی کرده‌اند^۲ (احزاب / ۱۲)؛ جامعه اسلامی دچار سردرگمی شده و بر اثر دسیسه‌های یادشده آسیب‌های روحی و روانی پدید آمده^۳ (احزاب / ۱۱) و جنگ، شایعات بی‌اساس، نفوذ منافقان و تلقین به شکست باعث ایجاد روحیه یأس و ناامیدی و اختلاف در صفوف مسلمانان و تضعیف آنان شده است.^۴ (احزاب / ۱۳).

از این رو خداوند متعال سوره احزاب را با مخاطب قراردادن رسول خدا ﷺ آغاز کرده و می‌فرماید: «از خداوند متعال بترسید، از کافران و منافقان اطاعت نکنید»^۵ (احزاب / ۱-۲) و این آغازی است که پس از آن شالوده نظام اسلامی و رویدادهایی که در آن بازه زمانی رخ داده، یکی پس از دیگری در خلال آیات، همراه با احکام و فرمان‌های متناسب با آن بیان شده و بدین سان بخشی از بایسته‌های اعتقادی و رفتاری جامعه مسلمانان و نیز موضوعاتی مربوط به زندگی خانوادگی و اجتماعی آنان برجسته و احکام آن تبیین و تثبیت شده است.

سید قطب می‌نویسد: با توجه به اینکه اساس دین، معتقد بودن و باور داشتن به عظمت باری تعالی، تسلیم مطلق در برابر اراده او، پیروی از برگزیده او و توکل بر قدرت لایزال اوست، خداوند متعال با ضرباهنگی قاطع واقعیتی را بیان فرموده که برای هیچ کس

۱. «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ».

۲. «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا».

۳. «هَذَاكَ أَبْتُلِي الْمُؤْمِنُونَ وَزَلْزَلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا».

۴. «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا هَلْ يَتْرَبُ لَأَمْقَامٍ لَكُمْ فَاجْمَعُوا».

۵. «يَأْتِيهَا النَّبِيُّ آتَى اللَّهِ وَلَا تُطْعَمُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا».

«وَاتَّبَعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا».

در یک سینه دو قلب قرار نداده است^۱ (احزاب / ۴) و این موضوع نماد و نشان این است که انسان‌ها حق ندارند به بیش از یک افق روی آورند و بیش از یک طریق را دنبال کنند، وگرنه دچار ریا شده و قدم‌هایشان سست می‌شود. بنابراین اگر انسان رویکرد و تصویری کلی برای زندگی داشته باشد، دارای معیار و ملاک واحد خواهد بود و اقتضائات زندگی را براساس آن سامان دهی می‌کند (سید قطب، ۱۴۰۸: ۵ / ۲۸۲۳).

نتیجه اینکه آدمی باید تنها به خدای واحد روی آورد، از پیامبر او پیروی کند و حفظ منافع خداوند متعال و پیامبرش را در هر وضعیت و شرایطی بر حفظ منافع خود ترجیح دهد. معنای آیه «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أُنْفُسِهِمْ» نیز نزدیک به این معناست.

۱-۳. اولویت پیامبر ﷺ بر مؤمنان و مسئله جاودانگی قرآن:

با توجه به بررسی روایات و نیز دیدگاه مفسران و عالمان شیعه، اولویت یادشده ویژه پیامبر ﷺ نبوده و به اولیا و جانشینان پیامبر در هر عصر و زمانی تسری می‌یابد. ادله و شواهد تسری اولویت با تمسک به دلیل عقلی به شرح زیر قابل ارائه است.

۱-۳-۱. دلیل عقلی

انسان موجودی اجتماعی و مدنی الطبع است. (سبزواری، ۱۳۷۰: ۲۱۵) و هر اجتماع و جامعه‌ای نیاز به حکومت و حاکم دارد (ارسطو، ۲۰۰۸ م: ۹۶). رهبری حکومت نیز در همه زمان‌ها و مکان‌ها از آن خداوند متعال و جانشینان او بر روی زمین است. بر این اساس باید اسوه و الگویی از سوی خداوند متعال عرضه شود تا دیگران مطابق آن الگو رفتار کنند. خداوند متعال این اسوه را در سوره احزاب، شخص رسول الله ﷺ معرفی کرده است^۲ (احزاب / ۲۱). از این رو آیه شریفه با الغای خصوصیت (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲ / ۱۳۸)، بیانگر اصلی عمومی در مدیریت و رهبری جامعه است که بر مبنای آن، چنانچه

۱. «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي حَوْفِهِ».

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».

فرد شایسته‌ای در رأس مجموعه مدیریتی‌ای قرار گیرد، در همان گستره ولایت اولویت خواهد داشت. (محقق کرکی، ۱۴۰۹ / ۱: ۲۶۹-۲۷۰).

۱-۳-۲. روایات

اولویت داشتن پیامبر اکرم ﷺ بر همگان امری مختص به آن حضرت نیست: الف) امام باقر علیه السلام در ذیل آیه یادشده می‌فرماید: «این آیه درباره ولایت و رهبری نازل شده است». (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰ / ۲).

ب) شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا درست است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «هرکه بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند درست است». راوی پرسید: «امامی در مدینه وفات کرده و مردی در خراسان هست و نمی‌داند وصی او کیست. آیا همین دوری از امام برای او عذر نیست؟» امام علیه السلام فرمود: «برای او عذر نیست. همانا امام چون وفات نماید، وصی آن امام حجت بر مردم هست. [پس آن‌ها باید امام را با حجت امامت تعیین کنند]. آن‌گاه حضرت آیه ﴿التَّيْبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ را قرائت فرمود» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۳۷۸). با تکیه بر مفاد این و استناد امام صادق علیه السلام به آیه شریفه معلوم می‌شود که هرگاه فرد شایسته‌ای مانند نبی خاتم صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم اسلامی در رأس جامعه قرار گیرد، بر مردم ولایت و اولویت می‌یابد. بنابراین سبک و نحوه تعامل مردم با وی باید به گونه‌ای باشد که در همه امور او را بر خود مقدم بدانند.

۱-۳-۳. آیه از نگاه مفسران و فقیهان شیعه

الف) شیخ طوسی در تفسیر آیه یادشده کلمه اولویت را به تدبیر و مدیریت تفسیر کرده و منظور از «اولی بانفسهم» را «احق بتدبیرهم» دانسته است. از دیدگاه او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شایسته‌ترین مدیر و مدبر است و این اولویت در عصر غیبت به فقیه جامع الشرایط به عنوان رهبر و حاکم جامعه اسلامی تسری می‌یابد (شیخ طوسی، بی تا: ۸ / ۳۱۷).

ب) صاحب جواهر نیز ولایت فقیه را از امور مسلم قطعی (نجفی، بی تا: ۴ / ۱۹)،

ضروری (همان، ۱۶ / ۱۷۸) و روشنی که به دلیل نیاز ندارد، می‌داند (همان، ۲۱ / ۲۹۵). وی معتقد است که بزرگان مذهب به ولایت فقیه حکم کرده (همان، ۲۱ / ۳۹۷) و فقها در موارد متعددی آن را ذکر کرده‌اند (همان، ۱۵ / ۴۲۲).

ج) حسینی عاملی می‌نویسد: «فقیهان شیعه در مسئله ولایت فقیه اجماع دارند و احتمال دارد که این اتفاق نظر پس از استقرار دلیل عقلی باشد» (حسینی عاملی، بی‌تا: ۲۱ / ۱۰).

د) امام خمینی علیه السلام نیز در ذیل آیه کلمه اولی را به ولایت تفسیر کرده و می‌نویسد: «مراد از اولویت، ولایت و امارت است. همان امارت و ولایتی که برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله هست، برای علما نیز ثابت می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲ / ۶۲۶).

حاصل سخن اینکه آیه شش سوره احزاب یکی از شئون رهبری و حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند. همچنین با تکیه بر دلیل عقلی، شواهد حدیثی و ادله فقها و مفسران، آنچه قرآن کریم درباره اولی بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر همگان بیان فرموده به شخصیت و جایگاه حقوقی آن حضرت، یعنی منصب پیشوایی و رهبری جامعه مسلمانان مربوط است و نه شخصیت حقیقی ایشان. چنین اولویتی طبق ادله یادشده به همه جانشینان ایشان، چه پیش از غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه پس از آن، تسری یافته است. آنان همچنین در همه امور دین و دنیا بر مؤمنان اولی بوده و حفظ جانسان بر همگان واجب و ضروری است.

بنابراین قرآن کریم جاودانه است و فرمان‌هایش در همه زمان‌ها و مکان‌ها باید اجرا شود و بدین سان نه تنها بین جاودانگی قرآن و آیات خصائص النبوی صلی الله علیه و آله تعارضی وجود ندارد، بلکه همگان باید در عرصه باورها و نیز کنش‌های رفتاری خود هنگام تعارض منافع خود با منافع رهبر جامعه اسلامی، منافع رهبرشان را ترجیح دهند.

۲. اولویت پیامبر صلی الله علیه و آله در تصرف

خصیصه دوم به بُعد عملی و احکام مربوط است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ

وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا^۱. (احزاب / ۳۶) مفسران و فقیهان با استدلال به این آیه می‌گویند که آن حضرت می‌تواند هر چیزی را که در ملکیت دیگران است، حتی با وجود نیاز مالک تصرف کند؛ زیرا مسئله حاکمیت نظام اسلامی و سیاست‌مداری برای حفظ مصالح امت و حراست از مبانی اسلام و برقراری نظم در جامعه از مهم‌ترین واجباتی است که شرع و عقل در آن اجازه اهمال نمی‌دهد. از این رو فرستاده خداوند که مسئولیت اجرای نظام اسلامی را برعهده دارد، برای حفظ نظام اسلامی حق اولویت تصرف دارد (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۶۱/۱۲؛ سیوطی، بی‌تا: ۲/۴۲۵).

۲-۱. اثبات خصیصه دوم نزد مفسران و فقیهان

سیوطی با استناد به این آیه، اولویت تصرف را جزء اختصاصات نبی دانسته است. از نگاه وی آیه بر این مدعا دلالت دارد که مسلمانان نه تنها نباید به اوامر پیامبر ﷺ اعتراض کنند، بلکه باید از آن اوامر اطاعت کنند. (سیوطی، بی‌تا: ۲/۴۵۲) محقق کرکی معتقد است که اولویت تصرف از جمله مباحات اختصاصی پیامبر ﷺ است (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۶۱/۱۲). شیخ طوسی، شیخ طبرسی و ابوالفتوح رازی بر این باورند که با توجه به دستور آیه شریفه، هرگاه خدا و پیامبر او به امری حکم کنند، امتثال آن امر واجب است و هیچ‌کس حق مخالفت ندارد (طوسی، بی‌تا: ۸/۳۴۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۸/۵۸۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱: ۱۵/۴۲۴).

علامه طباطبایی نیز سیاق آیه را دلیل بر این معنا می‌داند که مراد از قضا، قضای تشریحی و گذراندن قانون است، نه قضای تکوینی؛ از این رو مراد از قضای خدا، همان حکم شرعی اوست که در هر مسئله‌ای که به اعمال بندگان مربوط است، مقرر کرده و به وسیله آن در شئون آنان دخل و تصرف می‌کند و البته این احکام را به وسیله یکی از

۱. برای هیچ مرد وزن مؤمن سزاوار نیست که وقتی خدا و رسولش امری را انتخاب نمایند، خود را صاحب اختیار بدانند و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند، به ضلالتی آشکار گمراه شده است.

فرستادگان خود بیان می‌کند. قضای رسول او نیز به معنای دوم قضاست؛ یعنی اینکه رسول او به سبب ولایتی که برایش قرار داده در شأنی از شئون بندگان دخل و تصرف می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶ / ۳۲۱).

۲-۳. اولویت پیامبر ﷺ در تصرف و جاودانگی قرآن

فقیهان مشهوری اولویت تصرف را یکی از لوازم ضروری حکومت اسلامی می‌دانند. بنابراین اولویت تصرف پیامبر ﷺ نه تنها با جاودانگی قرآن تعارضی ندارد، بلکه در هر عصر و زمانی اعتبار دارد و جامعه اسلامی باید طبق آیه شریفه وظیفه اش را انجام دهد.

الف) محقق کرکی، محقق نراقی، صاحب جواهر، آیت الله بروجردی و امام خمینی بر این باورند که حوزه اختیارات ولی فقیه مطلق است و در چارچوب قوانین شرع و مصلحت امت اسلامی، شامل تمامی اموری است که برای پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام در مقام حاکم لازم بوده است (محقق نراقی، ۱۳۷۵: ۱۸۸؛ نجفی، بی تا: ۲۱ / ۳۲۸؛ مجله حوزه، هشتم، ۴۳ / ۴۴، ویژه نامه آیت الله بروجردی؛ غروی، ۱۴۴۰: ۱ / ۴۱۹ - ۴۲۵).

ب) شیخ مفید معتقد است که موضوع اولویت در تصرف یکی از لوازم حکومت اسلامی است، نه جزء اختصاصات النبی و با اثبات اطلاق ولایت فقیه، حوزه اختیارات ولی فقیه را مطلق می‌داند (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۸۱۰ - ۸۱۱؛ غروی، ۱۴۴۰: ۱ / ۴۱۹ - ۴۲۵).

ج) شیخ انصاری اولویت تصرف برای برپایی نظام اسلامی را امری بدیهی می‌داند و بر این باور است که درباره اموری که از نظر شرعی و عقلی باید برپا داشته شود و متولّی خاصی برای انجام آن معین نشده، مشروعیت انجام آن به طور مطلق ثابت شده و مفروغ عنه به شمار می‌رود و «لا یرضی الشارح بترکه ابداء»؛ یعنی باید انجام گیرد، چه در دوران حضور و چه در دوران غیبت، به گونه‌ای که اگر فقیه جامع شرایط نیز وجود نداشته باشد، بر عدول مؤمنان واجب است که آن را برعهده بگیرند (انصاری، ۱۴۱۵: ۳ / ۵۵۴). از این رو تصرف در اموال نیز جزء اختیارات فقیه است.

د) آیت الله خوبی معتقد است که به دو دلیل در دوران غیبت بر فقیهان جامع شرایط است که مجری احکام انتظامی و اجتماعی اسلامی باشند: ۱. اجرای احکام انتظامی اسلامی برای مصلحت عمومی تشریح شده و همچنین برای حفظ نظم تا هرگونه تبهکاری و سرکشی در جامعه ریشه کن شود. این امر نمی تواند مخصوص یک برهه، دو قرن و نیم عصر حضور، باشد؛ زیرا وجود مصلحت یاد شده در هر زمانی ایجاب می کند که مشروعیت اجرای احکام مربوط به آن ادامه داشته باشد و حضور معصوم علیه السلام در این مصلحت که برای تأمین سعادت و سلامت جامعه در نظر گرفته شده، مدخلیتی ندارد.

۲. از نظر قواعد علم اصول، دلایل احکام انتظامی اسلام اطلاق ازمانی و احوالی دارد و نمی توان آن را بی دلیل به زمان یا حالت خاصی مقید دانست و همین اطلاق چنین اقتضا دارد که در طول زمان همواره ادامه داشته باشد و اجرا شود. افزون بر این در توقیع شریف آمده است: در پیشامدها و رخدادها به فقیهانی که با گفتار ما آشنایی کامل دارند، مراجعه کنید که آنان حجّت ما بر شما می اند؛ همان گونه که من حجّت خدایم.

در روایت حفص بن غیاث نیز آمده است: اجرای احکام انتظامی اسلام بر عهده کسی است که شایستگی اعمال نظر و حکم کردن داشته باشد. این روایت به ضمیمه روایاتی که صدور حکم در عصر غیبت را شایسته فقهای جامع شرایط می داند، به خوبی بر این نکته دلالت دارد که اجرای احکام انتظامی در دوران غیبت بر عهده فقهای شایسته است. از این رو تصرف در اموال جائز است (خوئی، ۱۴۱۰/۱: ۲۲۴-۲۲۶)

بنابراین آیه ۳۶ سوره احزاب در مقام بیان شیوه تعامل مردم با رهبر امت اسلامی است. از این رو طبق آیه، مؤمنان نباید تصور کنند که در مقابل حکم رسول خدا، جانشینان آن حضرت در عصر حضور و ولی فقیه در عصر غیبت می توانند استنکاف ورزند و از دستور ایشان نسبت به هر چیزی حتی اموال شخصی خود سرپیچی کنند. نتیجه اینکه خصیصه اولویت تصرف پیامبر صلی الله علیه و آله با جاودانگی قرآن کریم تعارضی ندارد.

۳. حرمت ازدواج با زنان پیامبر ﷺ

خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌فرماید: «وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا». یکی از مواردی که تقریباً همه مفسران و متکلمان جزء اختصاصات انبی می‌دانند، حرمت ازدواج مسلمانان با زنان پیامبر اکرم ﷺ حتی پس از رحلت ایشان است. بنابراین روشن می‌شود که این حکم مربوط به شخصیت حقوقی آن حضرت و دارای قابل تسری است، زیرا افراد با رفتن از دنیا، تمام حقوق شخصیت حقیقی خود را از دست می‌دهند. یکی از دلیل‌های تسری حکم این است که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام حق طلاق زنان پیامبر ﷺ را بعد از ایشان داشته‌اند، این حق طلاق به خاطر جایگاه رهبری و پیشوایی جامعه اسلامی پس از ارتحال رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای آن حضرت ایجاد شده است (شوشتری، ۱۴۳۷: ۳۲ / ۴۱۳). یا حداقل می‌توان گفت، آنچه مخصوص آن حضرت است، مرتبه شدیده (حکم حرمت) است؛ و با عنایت به آموزه‌های اسلام درباره ولی فقیه که عهده‌دار امر حکومت اسلامی است و باید جایگاه و شأن ایشان حفظ شود، مراتب ضعیف حکم (کراهت) در اینجا صدق می‌کند. به دلیل اینکه از دیدگاه مفسران، فلسفه تشریح این حکم مفسده‌هایی است که بر ازدواج زنان پیامبر ﷺ با دیگران مترتب می‌شود و این علت در هر موردی که باشد، حکم مربوطه نیز بر آن مترتب است. البته با توجه به توقیفی بودن احکام شرع، این دلیل‌ها در صورتی مورد قبول است که شارع مقدس تأیید نماید. در زیر به برخی موارد اشاره می‌شود:

۳-۱. فلسفه تحریم ازدواج با زنان پیامبر ﷺ

بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره این آیه در مجموع هفت نظر عمده درباره فلسفه حرمت ازدواج زنان پیامبر ﷺ پس از رحلت آن حضرت را پیش می‌نهد:

- هتک حرمت نبی خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛
- ترور شخصیت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛
- انتقام جویی و اهانت به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

- تضعیف جایگاه رهبری؛

- اذیت کردن رسول الله ﷺ؛

- به دست آوردن منزلت اجتماعی برای سوء استفاده و ترویج افکار باطل؛

- آسیب رساندن به دین.

علامه طباطبایی با توجه به شأن نزول آیه ۵۳ احزاب می نویسد: فلسفه این حرمت پیشگیری از هتک حرمت پیامبر ﷺ بوده است؛ زیرا برخی افراد با انگیزه انتقام جویی و اهانت تصمیم داشتند که پس از مرگ آن حضرت با همسرانش ازدواج کنند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶/۳۳۷).

تفسیر برهان و تفسیر صافی علت موضوع را تعبیر زشتی می دانند که به ترور شخصیت پیامبر ﷺ می انجامد. در این تفسیرها به ماجرای نزول آیه شش سوره احزاب که می فرماید: ﴿التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ اشاره شده است. ماجرا چنین است پس از آنکه طلحه غضبناک شد و تعبیر بسیار زشت و شرم آوری درباره پیامبر ﷺ و همسران ایشان به کار برد، خداوند آیه شریفه ۵۳ را نازل کرد (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۴/۱۹۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۴۸۵).

برخی مفسران معتقدند که بعضی از رفتارهای ناشایسته طلحه علت نزول این آیه و حرمت ازدواج با همسران آن حضرت بوده است. این رفتارها عبارت اند از: ۱. طلحه به علت نزول آیه حجاب برای پیامبر اکرم ﷺ آرزوی مرگ کرد؛ ۲. در حالی که خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾ (نور/۶۳)، آن حضرت را به نام خطاب کرد؛ ۳. به یکی از همسران پیامبر ﷺ اظهار تعلق خاطر کرد؛ ۴. به شخصیت پیامبر ﷺ هجمه کرد و برای ترور و تخریب آن حضرت کوشید؛ ۵. به غلط باور داشت که حکم حجاب را خود پیامبر ﷺ تشریح کرده و این آیه فرموده خداوند متعال نیست (ابن طاووس، بی تا: ۴۷)

آلوسی معتقد است که علت تحریم عبارت است از:

- شأن رسالت و رهبری جامعه اسلامی؛
 - آزار رساندن به پیشوای جامعه اسلامی؛
 - ﴿وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا﴾ تخصیص پس از تعمیم است؛ یعنی از جمله مصادیق ایذا و اذیت رسول الله ﷺ است (آلوسی، بی تا: ۱۱ / ۲۴۸).

فضل الله علت تحریم را منزلت ویژه اجتماعی همسران رسول خدا ﷺ می داند که این منزلت را از طریق ازدواج با آن حضرت به دست آورده اند. براین اساس چنانچه کسی پس از پیامبر ﷺ با آنان ازدواج کند، از منزلت و جایگاه زنان پیامبر سوء استفاده خواهد کرد و این خلاف مصلحت اسلام است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۸ / ۳۴۱).

قرائتی در تفسیر نورمی نویسد: «چون خطر سوء استفاده از همسران پیامبر ﷺ هم تراز حق شخصی آن هاست، باید بعد از پیامبر ﷺ حق ازدواج با دیگران از آنان سلب شود» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷ / ۳۹۱)

از نظر قرشی فلسفه تشریح حرمت یاد شده آن است که چه بسا برخی اشخاص نایاب پس از ازدواج با زنان پیامبر ﷺ آنان را وادار کنند درباره زندگی شخصی و خصوصی ایشان دروغ جعل کرده و یا خود از زبان آنان دروغ گفته و در نتیجه جایگاه رهبری و حیثیت مکتب اسلام را به خطر اندازند. (قرشی، ۱۳۷۸: ۸ / ۳۸۷-۳۸۸).

مفسران دیگری چنین می نویسند که کسانی فکر ازدواج با همسران حضرت را به آن علت در سر می پروارندند تا بتوانند در آینده با تمسک به اینکه از اهل بیت پیامبر ﷺ هستند و اهل بیت اهل بیت از دیگران دانسته بیت اند، ایده های باطل خود را از این طریق گسترش دهند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۳۷۲).

۲-۳. حرمت ازدواج زنان پیامبر ﷺ و مسئله جاودانگی قرآن کریم

از مطالب پیش گفته معلوم می شود که آیه مورد بحث جزء اختصاصات انبی و ویژگی های شخصیت حقوقی پیامبر ﷺ است. همچنین از دیدگاه مفسران درباره فلسفه حرمت ازدواج با همسران پیامبر ﷺ معلوم شد که این حرمت به علت مفاسدی است که

برائثرآن رهبری حضرت مورد خدشه قرار می‌گیرد و حکومت اسلامی را با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

ناگفته پیداست که رهبری جامعه اسلامی که در اندیشه فقیهان مشهور شیعه از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود، نیز همان شأن و جایگاهی را دارد که خداوند متعال به رسول خاتمش عطا فرموده است. از این دیدگاه همچنان که امامان معصوم علیهم‌السلام مانند ایشان دارای شأن رهبری جامعه اسلامی، حدود و اختیارات و ویژگی‌های منزلتی آن حضرت هستند، ولی فقیه و رهبرامت اسلامی نیز از همان جایگاه، منزلت و حدود و اختیارات برخوردار است.

همچنین سوءاستفاده از موقعیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، لطمه وارد کردن به دین و دیگر وجوهی که برای حرمت ازدواج زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح شد نیز در مرتبه‌هایی ضعیف‌تر، نسبت به اولیای معصوم و دیگر رهبران امت اسلامی در هر زمانی و مکانی پابرجاست. بنابراین حکم حرمت یادشده در مرتبه شدیدتر جزء ویژگی شخصیت حقوقی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و برای رهبران پس از آن حضرت، اعم از امامان معصوم علیهم‌السلام و ولی فقیه در زمان غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام نیز در مرتبه ضعیف‌تر ثابت می‌شود.

اگرچه قرآن کریم برالگوگرفتن از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار تأکید می‌کند (احزاب / ۲۱)، برخی از شئون شخصی و اجتماعی آن حضرت موانعی است که الگوگیری از ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مردانی گلستانی، ۱۴۰۰: ۱۱۴). با گونه‌شناسی افعال اختصاصی آن حضرت به دو دسته مشکک و متواطی، بعضی از افعال اختصاصی قابل تأسی است. با این توضیح که در افعال متواطی، محدودیت اختصاصی به حکم وجوب یا حرمت فعل مربوط است؛ ولی در افعال مشکک محدودیت اختصاصی به مراتب شدید آن مربوط می‌شود و برای دیگر مصادیق، مراتب ضعیف آن صادق است (مردانی گلستانی، ۱۴۰۱: ۷۹).

در بخش اول مقاله حاضر با تکیه بر ادله مختلف عقلی، نقلی و دیدگاه دانشمندان درباره آیات خصائص النبی و تبیین این آیات مبنی بر محوریت شیوه تعامل مردم با رهبر

جامعه بررسی شد.

۳-۳. استدلال‌های روشی بر مدعا

در بخش پایانی مقاله حاضر با استفاده از قواعد تفسیری ای که در نگاه مفسران، بیانگر روش تحلیل و تبیین آیات قرآن است، نحوه تعمیم و دلالت آیات یادشده برسبک و شیوه رفتار مردم با رهبرامت اسلامی ارائه و تبیین می‌شود؛ زیرا مخاطبان آموزه‌ها، مفاهیم و فرمان‌های سبک‌ساز قرآن کریم در همه ابعاد و موضوعات، همه مردم در همه زمان‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی در گیتی اند و آیات آن نسبت به آنان عمومیت دارد. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اگر بنا باشد آیه‌ای که درباره قومی نازل شده بعد از مردن آن قوم بمیرد، از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند، ولی تا زمانی که آسمان‌ها و زمین در حرکت‌اند، قرآن نیز زنده و دستور زندگی مردم است (عیاشی، ۱۳۸۱: ۱/۱۱).

امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی با اشاره به شمول خطاب‌های قرآن بر همگان تا روز قیامت می‌فرماید: خداوند متعال قرآن را مخصوص زمانی خاص قرار نداده است؛ از این رو در هر زمان، جدید و نزد هر قومی تا روز قیامت تازه است (طوسی، بی‌تا: ۵۸۰).

مطهری در این باره می‌نویسد: «اگر استفاده از آیات قرآن، تنها به مخاطبان اصلی در عصر نزول محدود باشد، دیگران از هدایت قرآن محروم خواهند شد؛ در حالی که قرآن خود بر جاودانگی آموزه‌ها و فرمان‌هایش تصریح کرده و می‌فرماید: ﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (انعام/۱۹)، (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۷/۱۷۲).

مفسران در کتاب‌های تفسیری خود برای بیان شیوه‌های تعمیم آیات قرآن از روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند که از آن جمله روش الغای خصوصیت و قاعده جری و تطبیق است.

۳-۳-۱. الغای خصوصیت

الغای خصوصیت یا گسترش مصداقی از جمله روش‌های تعمیم به شمار می‌رود که

پیش از دانش تفسیر، در علم اصول فقه مورد استفاده قرار گرفته است (معرفت، ۱۳۷۰: ۱/ ۲۷۴). این قاعده در کتاب‌های اصول عنوانی چون «مورد مخصص نیست» و یا «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» ذکر شده است (مظفر، ۱۳۷۰: ۲/ ۲۶۵).

سیوطی با اشاره به این شیوه از تعمیم، دلیل صحت آن را عمل کردن صحابه به این روش ذکر کرده است (سیوطی، بی تا: ۱/ ۹۰). وی گسترش مصداقی آیات را جزء امور عقلایی می‌داند: «اینکه گفته می‌شود آیه‌ای درباره قومی از مشرکان مکه یا گروهی از یهود و نصاری یا گروهی از مؤمنان نازل شده، معنای آن این نیست که حکم آیه به آن افراد اختصاص دارد. این سخن را هیچ مسلمان و یا عاقلی نمی‌گوید» (همان، ۹۱).

بنابر قاعده الغای خصوصیت، همه افرادی که ویژگی‌های مورد نظر را دارند، فارغ از زمان و مکان، مشمول دستور، مفهوم و محتوای آیه واقع می‌شوند.

با تکیه بر روش الغای خصوصیت به عنوان یکی از روش‌های تعمیم آیات و گسترش مصداقی آن‌ها می‌توان گفت که آیات مورد بحث در سوره احزاب، اگرچه درباره شخص حقیقی پیامبر ﷺ نازل شده و به یک معنا جزء خصائص النبی هستند، خطاب این آیات جایگاه حقوقی رسول خدا بوده و با الغای خصوصیت، مخاطب آیات همه رهبران امت اسلامی، شامل جانشینان پیامبر ﷺ در عصر حضور و خلفای آن حضرت در دوران غیبت است. این آیات به دلیل گسترش مصداقی، بیانگر سبک تعامل و شیوه رفتار مردم با رهبر جامعه و امت اسلامی در هر عصر و زمان و هر موقعیت جغرافیایی هستند.

۳-۳-۲. جری در مکتب اهل بیت علیهم السلام

مفسران جری را که از جمله قواعد تفسیری است، از آموزه‌های اهل بیت اقتباس کرده‌اند. این روش می‌کوشد فرایند تعمیم معنایی را قاعده‌مند سازد (معرفت، ۱۳۷۰: ۱/ ۲۵-۲۸). کاربرد این روش چنان است که با تبیین برخی مصادیق، مفسر را در ارائه معنای کلی آیه راهنمایی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۶۷-۱۶۹).

در حدیثی درباره این قاعده آمده است که حمران بن اعین از امام باقر علیهما السلام درباره ظهور و

بطن پرسید. حضرت فرمود: ظهر قرآن کسانی هستند که قرآن درباره آنان نازل شده و بطن قرآن کسانی هستند که به شیوه آنان رفتار کرده‌اند. آنچه درباره آنان بود، درباره ایشان [هم] صدق می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۱: ۱/۱۱).

طبق این قاعده، پیامبران الهی و افرادی چون حضرت مریم، آسیه، همسر فرعون و ... که مورد تأیید قرآن قرار گرفته‌اند، با توجه به شخصیت حقیقی و جایگاه حقوقی شان می‌توانند به عنوان اسوه در نظر گرفته شوند تا طبق بیان قرآن در آیه ۲۱ سوره احزاب به عنوان الگوی راستین برای هدایت فرد و جامعه، مورد اقتدای همگان قرار گیرند.

مخاطب موضوع دسته‌ای از آیات انبیای الهی بوده و قرآن درباره شأن و جایگاه رهبری و حاکمیت آنان آیاتی نازل فرموده است. در صورتی که با استفاده از قاعده جری و تطبیق ویژگی‌ها، آموزه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به جایگاه حقوقی آن‌ها استخراج شود، می‌توان در این گونه موارد نیز به دستور قرآن برای اسوه قرار دادن اولیای الهی عمل کرد. در غیر این صورت آیات مخصوص زمان نزول بوده و جاودانگی عصری و مکانی قرآن با چالش مواجه خواهد شد؛ برای نمونه خداوند متعال در آیه «وَسَاوَوْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران / ۱۵۹) پیامبر ﷺ را مخاطب قرار داده و به آن حضرت دستور می‌دهد که با مؤمنان مشورت کند. مفسران درباره این آیه بر این باورند که مخاطب آیه نه شخص پیامبر ﷺ، بلکه شخصیت سیاسی آن حضرت است؛ از این رو تمامی مسئولان سیاسی و رهبران امت مخاطب آیه شریفه‌اند. همچنین معتقدند که دستور مشورت به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص ندارد (معرفت، ۱۳۷۷: ۹۵).

بر این اساس با تکیه بر قاعده جری و تطبیق، درباره جاودانگی خطاب‌های قرآن در آیات سوره احزاب، که برخی مفسران آن‌ها را جزء خصائص النبی به شمار آورده‌اند، می‌توان گفت این آیات درباره جایگاه حقوقی پیامبر اکرم ﷺ؛ یعنی منزلت رهبری آن حضرت بوده و بیانگر شیوه تعامل مردم با رهبر جامعه و امت اسلامی و نیز بیانگر آداب و رفتار اجتماعی و تعامل مسلمانان با یکدیگرند.

نتیجه‌گیری

- برخی از مفسران و اندیشمندان معتقدند که در سوره احزاب ویژگی‌هایی ذکر شده که مخاطب آن، شخص حضرت ﷺ است و پس از ایشان برای هیچ‌کس قابل اثبات نیست؛

- با توجه به استنباط ذکر شده، برخی قرآن حکیم را تاریخ‌مند دانسته و جاودانگی آن را نمی‌پذیرند؛

- بررسی‌های استدلالی و دیدگاه‌های فقیهان و مفسران نشان می‌دهد که هر چند مخاطب این آیات رسول گرامی اسلام ﷺ است؛ مانند بسیاری از آیات دیگر مخاطب واقعی و حقیقی، جایگاه حقوقی آن حضرت است؛

- شواهد روایی و دیدگاه‌های بیشتر مفسران و فقیهان بر این امر دلالت دارد که آیات یاد شده بیانگر وظایف مردم، سبک تعامل جامعه با رهبران امت اسلامی و چگونگی ارتباط افراد با جامعه اسلامی در هر عصر و زمانی و تمامی موقعیت‌های جغرافیایی است؛ - با توجه به اینکه شخصیت حقوقی بر اساس قوانین الهی و یا قوانین بشری شکل می‌گیرد و با مرگ، حقوق خود را از دست نمی‌دهد، با گونه‌شناسی تمامی خصائص النبی ﷺ (اختصاصات فقهی، فضائل اختصاصی، افعال) به دو دسته حقیقی و حقوقی، خصائص دسته دوم دارای قابلیت تسری می‌باشد؛

- معجزه جاودانگی قرآن و نیز برخی قواعد تفسیری مانند قاعده الغای خصوصیت، قاعده جری و تطبیق اثبات می‌کند که آیات یاد شده نمی‌تواند تنها درباره شخص رسول اکرم ﷺ نازل شده باشد، بلکه به علت عمومیت ویژگی‌ها و تسری شئون حکومتی رسول خدا ﷺ به جانشینان معصوم آن حضرت ﷺ در عصر حضور و خلفای آن حضرت در زمان غیبت به عنوان رهبران جامعه اسلامی، این احکام و وظایف، حداقل در مرتبه ضعیف‌تر، برای آنان نیز پابرجاست؛

- تقسیم‌بندی خصائص النبی به دو دسته خصائص مربوط به شخصیت حقیقی و حقوقی جامع و مانع است و این تقسیم‌بندی می‌تواند مبنا و اساس مطالعات آینده برای

دانش پژوهان باشد؛

- با تکیه بر آیات قرآن و با محور قرار دادن آیاتی از سوره احزاب روشن می شود که نه تنها تمامی آیات مربوط به شخصیت حقوقی رسول خدا ﷺ تاریخمند نیست، بلکه محتوای این آیات وظائف مردم و سبک تعامل آنان نسبت به رهبر جامعه اسلامی را در تمامی ها و مکان ها تبیین می کند (آیات مربوط به شخصیت حقیقی رسول خدا ﷺ در مقاله «افعال اختصاصی پیامبر ﷺ و تأسی به ایشان» بررسی و قابلیت تأسی آیات اثبات شده است). از این رو فرمان های قرآن کریم به زمان و مکانی خاص محدود نیست؛ بلکه جاودانگی فرمان ها به اثبات می رسد و تا روز قیامت اعتبار دارد؛

- هدف و دلالت مرکزی این نوع آیات به ویژه در سوره احزاب، نحوه اطاعت از خالق هستی و پیامبر ﷺ در موضوعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و خانوادگی برای تحکیم ارکان رهبری الهی و ساختن امت اسلامی است؛

- خداوند متعال با نزول این آیات به مؤمنان دستور می دهد که در همه شرایط رسول گرامی اسلام را به دلیل جایگاه پیشوایی و رهبری ایشان بر جان و مال خود مقدم دارند؛ زیرا حفظ نظام اسلامی از واجب ترین واجب ها است. از این رو در هر زمانی که رهبر الهی برای مصلحت جامعه و امت اسلامی بخواهد در جان و مال مردم تصرف کند، باید تسلیم امر او باشند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا* علیه السلام، جهان، تهران، بی تا.
۲. ابن طاووس، احمد بن موسی، *عین العبرة فی غیب العترة*، دار الشهاب، قم، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الصادر، بیروت، جلد سوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. ارسطو، *السیاسة* (أرسطو)، احمد لطفی، سید، سانت هلیر، بارتلمی، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، مصر، ۲۰۰۸ م.
۵. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان*، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۱ ش.
۶. ابو جعفر طوسی، محمد بن الحسن، *المبسوط*، المكتبة المرتضوية، تهران، جلد سوم،

۱۳۸۷ق.

۷. انصاری، مرتضی، *المکاسب*، مجمع انديشه اسلامی، ط الحديثه، قم، بی تا.
۸. آل عصفور، خليل بن احمد، *العین*، قم، مؤسسة دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ق.
۹. آلوسی، شهاب الدین، *روح المعانی*، دار الکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۱۰. بحرانی، هاشم، *البرهان*، مؤسسة البعثة مركز الطباعة والنشر، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، اسراء، تهران، ۱۳۹۰ش.
۱۲. حر عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۳. حسینی عاملی، محمدجواد، *مفتاح الكرامة*، رنگین، تهران، بی تا.
۱۴. خمینی، روح الله، *کتاب البیع*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۶ش.
۱۵. خوبی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکملة منهاج الصالحین*، مدينة العلم، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۶. سبحانی، جعفر، *الخاتمیة فی الكتاب والسنة والعقل*، بی تا، تهران، بی تا.
۱۷. سبزواری، هادی بن مهدی، *رسائل حکیم سبزواری*، آشتیانی، جلال الدین، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، تهران - ایران: ۱۳۷۶ش.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، *الخصائص الكبرى*، دار الکتب العلمیة، بیروت، بی تا.
۱۹. شکرى، عبدالعلی و فرج فلاح، «امتیازات و ویژگی های پیامبر ﷺ از دیدگاه قرآن»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، دوره ۴، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۲ش.
۲۰. شهید ثانی، محمد بن جمال الدین، *المآثر*، مؤسسه الإمام المهدي ﷺ، قم، جلد اول، ۱۴۱۰ق.
۲۱. شیخ مفید، محمد، *المقنعه*، کنگره هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۲. صدر، محمدصادق، *ماوراء الفقه*، دار الأضواء للطباعة والنشر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین، *فرازهای از اسلام*، جهان آرا، قم، بی تا.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۶. طوسی، ابی جعفر، *التبیان*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۷. عابدی جعفری، و دیگران، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، *مجله اطلاعات*، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۲۸. عاملی، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، آل البيت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۹. عاملی، محمدجواد، *مفتاح الكرامة*، چاپ رنگین، تهران، بی تا.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، مکتبه الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۱ق.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمد، «مصاحبه با آیه الله فاضل لنکرانی»، *حوزه*، هشتم، ویژه نامه سالگرد ارتحال آیت الله بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) شماره ۴۳ و ۴۴،

- فروردین و اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۷۰ ش.
۳۲. فخرآزای، محمد بن عمر، *تفسیر کبیر*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فضل الله، سید محمد حسین، *من وحی القرآن*، دار الملک، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
۳۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *الصادق*، تصحیح حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۳۶. شوشتری، قاضی نورالله، *احقاق الحق*، تصحیح شهاب الدین مرعشی نجفی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۳۷ ق.
۳۷. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۳۸. قرشی بنابی، علی اکبر، *احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۳۹. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت - القاهرة، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۴۱. محقق کرکی، علی بن حسین، *رسائل المحقق کرکی*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. مدرسی، محمد تقی، *من هدی القرآن*، دار محیی الحسین علیه السلام، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴۳. مردانی، مهدی، «افعال اختصاصی پیامبر صلی الله علیه و آله و تأسی به ایشان»، *مشکوٰۃ*، دوره ۳، شماره ۱۵۲، پاییز ۱۴۰۰ ش.
۴۴. مصطفوی، حسین، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۵. مطهری، مرتضی، *یادداشت‌ها*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴۶. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۰ ش.
۴۷. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، جامعه مدرسین مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۷۰ ش.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الاصول*، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵۰. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، بی تا.
۵۱. نراقی، احمد بن محمد، *عوائد الايام*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۵۲. نقیب، سید محمد، «خصائص النبی صلی الله علیه و آله رو کردها و بایستگی‌ها»، *مشکوٰۃ*، دوره ۲، شماره ۱۱۱، تابستان ۱۳۹۰ ش.